

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه لیل

استاد ضرابی فروردین ۱۴۰۰

جلسه پنجم ۱۴۰۰/۱۱/۳

آیات شریفه : «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (۱۲) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ- همانا هدایت بر ماست (۱۲) و در حقیقت دنیا و آخرت از آن ماست»

عنوان : هدایت در دست خدا

« إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ » : بعد از آنکه خداوند فرمود: تلاش‌های شما پراکنده است و برخی انفاق می‌کنند و در برابر حق تسلیم می‌شوند و آخرت و روز حساب و کتاب الهی را تصدیق می‌کنند و برخی بخل می‌ورزند و حقیقت را انکار می‌کنند در این آیات به پاسخ این سؤال می‌پردازد که دلیل این انتخاب‌های متفاوت چیست؟

در موضوعی به این مهمی که سرنوشت‌ساز است؛ اول این که خداوند امر هدایت و مسئولیت آن را خود بر عهده گرفته است تا با علم و قدرت و رحمت بی‌منت‌هایش که بر همه چیز احاطه دارد، دآوری و حکم کند که چه کسی استحقاق هدایت را دارد و چه کسی استحقاق ضلالت را؛ و همین‌طور مراتب برخورداری از این دو را .

از این رو به پیامبرش (صلی الله علیه وآله) اینگونه خطاب می‌کند. «إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ - (ای رسول ما، با آنکه تو هادی خلقی) چنین نیست که هر کس را تو دوست بداری هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند آگاه‌تر است» (قصص/۵۶).

البته در اینجا منظور از هدایت «ارائه طریق» نیست، چرا که ارائه طریق کار همه پیامبران الهی (سلام الله علیهم) است و بدون استثناء راه را به همه نشان می‌

دهند، بلکه منظور از هدایت در اینجا «ایصال به مطلوب» و رسانیدن به سر منزل مقصود است؛ که خداوند کسی را که با «صداقت و مجاهدت» پیش بیاید، به سر منزل مقصود می‌رساند.

امیرالمومنین (ع) در حدیثی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ - از محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند آن بنده ایست که خدا او را در جنگ علیه نفسش کمک می‌کند؛ هر کس وارد این جنگ شود و بایستد و ادامه دهد و حوصله کند خدا به او کمک می‌کند.» (نهج البلاغه، خ ۸۷)

بسعی خود نتوان برد گوهر مقصود خیال باشد کاین کار بی حواله برآید

عمار یاسر در جنگ صفین به میدان آمد و عرض کرد بارالها تو می‌دانی که اگر من بدانم رضایت تو در این است که دسته شمشیرم را بر زمین بگذارم و نوک آن را بر شکم قرار دهم تا از پشتم درآید، این کار را خواهم کرد؛ تو می‌دانی که اگر من بدانم رضای تو در این است که خود را به دریا بیندازم، این کار را خواهم کرد؛ تو می‌دانی که اگر من بدانم رضایت تو در این است که من خودم را به آتش بیندازم و خاکستر شوم، این کار را خواهم کرد؛ اما من می‌دانم رضای تو در این است که من در لشکر امیرالمومنین (ع) باشم. سینه‌ام را برای او سپر کنم و در برابر دشمنانش بایستم و به جنگ با دشمنانش بروم؛ و من می‌دانم حتی اگر آنها به گونه‌ای ما را شکست دهند که از شمال جزیره العرب ما را به جنوب آن برانند و ما را در دریای هند بریزند باز هم ما بر حق هستیم؛ حتی اگر شکست بخوریم و تمام افرادمان کشته شوند، می‌دانم که ما بر حق هستیم. آن کس که از راه آشکار برود به آب می‌رسد و هر کس از راه راست منحرف شود سرگردان می‌ماند.

دستگیری کنم ای خضر که در این ظلمات پی سرچشمه آب حیوان آمده‌ام

همت ای دوست که من، چشم ببستم ز جهان به سر کوی تو، چشم نگران آمده‌ام

عنوان: چرا خداوند همه را هدایت نمی‌کند؟!

اگر پرسیده شود که چرا خداوند همه مردم را به راه راست هدایت نمی‌کند؟
خداوند خود می‌فرماید: « وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا - اگر می‌خواستیم، تمام مردم را هدایت می‌کردیم » (سجده/۱۳)

اما خداوند به جبر همه را هدایت نفرمود بلکه انتخاب آن را به عهده انسان نهاد:
« إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا - ما انسان را راهنمایی کردیم. و او یا شکر نعمت بجا می‌آورد و یا کفران نعمت می‌کند » (انسان/۳).

و نیز امام صادق علیه السلام درباره آیه «و هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» و ما هر دو راه را به او نمودیم» فرمود: « نَجْدُ الْخَيْرِ وَ نَجْدُ الشَّرِّ - یعنی راه خیر و راه شر را. (بحار ج ۵ / ص ۱۹۶)

و نیز درباره همین آیه شریفه فرمود: « عَلَّمَهُ السَّبِيلَ ، فَلَمَّا آخَذَ فَهُوَ شَاكِرٌ ، وَ إِمَّا تَارِكٌ فَهُوَ كَافِرٌ - خداوند راه را به انسان شناساند. یا انسان آن را در پیش می‌گیرد که در این صورت سپاسگزار است و یا آن را رها می‌کند که در این صورت ناسپاس می‌باشد. » (بحار / ج ۵ / ص ۳۰۲).

و نیز علی (ع) فرمود: « وَ لَقَدْ بُصِّرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ ، وَ أَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ ، وَ هُدِيتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ - شما بینا شده اید، اگر دیده بینا داشته باشید و شنونده شده اید، اگر گوش شنوا داشته باشید و راهنمایی شده اید، اگر هدایت پذیر باشید. (نهج البلاغه : الخطبة ۲۰)

از کژی افقی به کمی و کاستی از همه غم رستی اگر راستی

عنوان: اگر انسان از خود اختیاری نداشت

اگر خداوند همه را به اراده خود هدایت می‌کرد در این صورت عمل انسان مانند عمل اعضاء و جوارحش می‌شد مانند قلب یا کلیه و کبد که هیچ‌کدام در فعل خود اختیاری ندارند و تصمیم گیرنده نیستند، دیگر انسان، وجود پیدا نمی‌کرد. یا حد اکثر مانند حیوانات به طور غریزی عمل می‌کرد مانند زنبور عسل، در ساختن کندو یا مانند عنکبوت در تنیدن تار و یا مانند کرم ابریشم در بافتن پیله.

البته انشاءالله در محل خود بحث خواهد شد که حیات، شعور و اراده در همه هستی سریان دارد حتی جمادات، نباتات و حیوانات ؛ ذیل آیه شریفه « إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا - ما بر آسمانها و زمین و کوههای عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را بپذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت). » (احزاب/۷۲)

اکنون انسان به خواست خدا آزاد است. خداوند قدرت انتخاب به انسان عطا فرمود تا راه خوب و بد را خود انتخاب کند.

البته این بعد از روشن شدن حقایق برای همه است چنانکه هیچ عذری برای کسی نماند. هم به هدایت تکوینی و فطری « رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى - پروردگار ما کسی است که تمام موجودات را آفرید و آنها را راهنمایی فرمود. » (طه/۵۰). و هم به هدایت تشریعی. « وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ - و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید، پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد » (نحل/۳۶)

ای دادرس دست خدا بهر خدا دستم بگیر ای دستیار کبریا بهر خدا دستم بگیر

عنوان : خداوند چه کسانی را برای هدایت برمیگزیند؟

اولین پاسخ این است که کسانی مشمول هدایت می شوند که هدایت را برگزینند زیرا از سنتهای الهی این است که « فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ - آن گاه که از جانب من راهنمایی برای شما آید، آنان که پیروی او کنند هرگز بیمناک و اندوهگین نخواهند شد » (بقره/۳۸).

و آن که عمل صالح را برمی‌گزیند به سود خود عمل کرده است « مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ - هر کس کار نیکی کند به نفع خود و هر که بد کند بر ضرر خویش کرده است و خدا هیچ بر بندگان ستم نخواهد کرد» (فصلت / ۴۱)

و نیز می‌خوانیم: «ما أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ - آنچه از نیکی ها به تو می رسد از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می رسد، از سوی خود تو است.» (نساء/ ۷۹)

بنابراین هدایت الهی به معنی توفیق و کمک او بر کارهای خیر و راه های نیک بختی و سعادت است و آن مخصوص کسانی است که در راه حق گام بردارند و «ضلالت» یعنی سلب این توفیق و قطع این کمک الهی، که مخصوص گنهکاران و ستمگران و مسرفان و افراد بی ایمان است «وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ - جز بدکاران را گمراه نمی‌کند». (بقره/ ۲۶)

مردان خدا جز ز خدا دل ببریدند	در آینه جز چهره معشوق ندیدند
در راه طلب پای ارادت بفشردند	تا شاهد مقصود در آغوش کشیدند

عنوان: چاره جز لطف خدا چیست؟

« وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ »: همانطور که هدایت را خداوند بر خود واجب کرد (که از تعبیر «علینا» فهمیده می‌شود) اکنون به مالکیت خود تاکید می‌کند که اهل نجات و هدایت هم براستی مالک چیزی نیستند و همه چیز از عنایت و تفضل خداوند است زیرا آخرت و دنیا و همه اشیاء به خداوند قائم و وابسته‌اند، مالکیت او حقیقی و او متصرف مطلق و بلامعارض و بلامانع ، سلطه و احاطه‌اش تام و تمام است.

در آخرت که تمام واسطه ها و اسباب قطع می شوند. « وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ - نسبت ها و خویشاوندی ها از بین می رود (بقره/ ۱۶۶) ، « فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ - مال و ثروت و فرزندان، ثمری ندارند (مؤمن، ۱۰۱) ، « لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ -

بستگان و نزدیکان نیز فایده ای نمی رسانند (شعراء، ۸۸) « ، « لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ - هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما (اگر مؤمن نباشند) هیچ سودی برایتان ندارند که در آن روز خدا میان شما به کلی جدایی می افکند و خدا به هر چه کنید بیناست (ممتحنه، ۳)»

نه زبان، اجازه عذر تراشی دارد « لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ قَالَ صَوَاباً - هیچ کس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربانش به سخن اذن دهد و او سخن به صواب گوید (و به اذن خدا شفاعت گنهکاران کند) (نبا/۳۸)»

و نه فکر، فرصت تدبیر وجود دارد، تنها راه چاره لطف خداوند است « اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَلِي وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيماً فَعَفُوكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلاً أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَارْحَمْتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَ تَسْعَنِي لِأَنَّهَا وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - خدایا البته به آمرزش تو بیشتر امیدوارم تا به عمل خود و البته رحمت تو وسیعتر از گناه من است خدایا اگر چه گناه من نزد تو بزرگ است اما عفو و بخشش تو بزرگتر از گناه من است خدایا اگر من لایق آن نیستم که رحمتت به من برسد رحمت و لطف تو لایق است که به من رسا باشد و مرا فراگیرد زیرا همه چیز عالم را رحمتت فرا گرفته ای خدای ارحم الراحمین. » (مفاتیح الجنان- تعقیبات مشترکه)

نی که ما را دست فضلش کاشت ست؟ از عدم ما را نه او برداشت ست؟
عاشقم جز عشق تو در دست من چیزی نباشد عاشقم جز عشق تو بر عشق برهانی ندارم